



گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در ایران؛ رویکردی به کارآمدسازی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی در ایران

داریوش مختاری و غلامرضا سلطانی*

چکیده:

هدف کلی از طرح بحث حاضر، شفاف‌سازی وضعیت آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در کشور است. هدف بعدی ارائه استراتژی عملی برای کارآمدسازی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی و برون رفت از وضعیت ناکارآمد موجود می‌باشد. در چارچوب مقاله حاضر، تلاش گردید تا ضمن ارائه تصویری کلی از وضعیت موجود آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی در کشور، با استفاده از مدل‌های موجود و انتظارات منطقی از مقوله آموزش و پژوهش، این تصویر شفاف‌تر گردد و در ادامه راهکار نهایی ارائه گردد.

در سامانه اجتماعی ایران موانع نهادی فراوانی مانع از پویایی رشته اقتصاد کشاورزی گردیده است. بطور کلی اقتصاد ایران به لحاظ ابهاماتی که در مبانی نظری، بنیادی و نهادی آن از حیث مالکیت‌ها، نقش و جایگاه دولت و نهادهای قانونگذاری و ... دارد موانع متعددی برای کاربرد اصول متعارف علم اقتصاد که بر پایه بازار قرار دارد، وجود دارد. به همین خاطر به سختی می‌توان یک روزنه جهت کارآمدسازی پژوهش ایجاد نمود. بنابراین علیرغم ظرفیتهای بی‌شماری که در رشته اقتصاد کشاورزی نهفته است و زمینه‌های بسیار زیادی که در ایران (جدای از بحث ناکارآمدی سامانه اجتماعی ایران) دارد، کاربرد این علم با موانع بنیادی مواجه شده است. در عین حال در صورت اصلاح شیوه‌های مدیریتی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی می‌توان به ایجاد اصلاحات (Reform) در این زمینه و حل مشکلات موجود امیدوار بود.

در جمع‌بندی نهایی چنین می‌توان اذعان نمود که در گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی نیاز به اعمال اصلاحات آن هم با شیوه‌های سامان‌یافته (Systematic) می‌باشد. در همین راستا لازم است نقطه هدف معینی تعریف شود تا تمام امورات پژوهشی و آموزشی در این راستا سوق داده شوند. در مقاله حاضر این نقطه هدف، تربیت نیروی متخصص و صاحب‌نظر در زمینه‌های مختلف اقتصاد کشاورزی در یک افق معین ۱۰ ساله تعریف شده است. این مهم نیاز به سازوکارهایی دارد که توسط نهادهای متولی اقتصاد کشاورزی بویژه انجمن اقتصاد کشاورزی فراهم می‌گردد تا با تکیه بر امکانات موجود، زمینه تعالی رشته اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد. بدین ترتیب رشته اقتصاد کشاورزی به مرور جایگاه خود را در حل مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور پیدا می‌کند و با ارائه نظرات منطقی و واقع‌بینانه می‌تواند اعتماد سیاست‌گذاران کشاورزی را به رهیافتهای خود جلب نماید.

مقدمه:

اقتصاد کشاورزی یکی از شاخه‌های علمی است که در میان علوم اقتصاد کاربردی از قابلیت‌های بالایی برخوردار است و علاقمندان زیادی را به خود جذب نموده است. اما متأسفانه چه در ایران و چه در خارج از کشور دچار ایراداتی در روش و محتوا گردیده است و در صورتی که نتوان آنرا از گزند این خطرات مصون داشت آنگاه نمی‌توان از ظرفیتهای منحصر به فرد آن بهره‌مند شد.

در ایران در حال حاضر رشته اقتصاد کشاورزی در سطوح اجرایی و سیاست‌گذاری کشاورزی رشته ناشناختنی است و آنچنان که بایسته و شایسته آن است نقش مطلوب خود را ایفا نمی‌نماید. بدون شك عدم اطلاع مسئولین اجرایی از توانایی‌ها و ظرفیتهای رشته اقتصاد کشاورزی به همراه ایرادات محتوایی و روشی آن، موجب عدم استفاده مطلوب از این رشته شده است. علیرغم اینکه تصمیم‌گیری‌های کلان بخش کشاورزی، اقتصادی است اما نقش اساسی در این خصوص اغلب توسط متخصصین غیر اقتصاد کشاورزی اتخاذ می‌شود و موارد متعددی مشاهده گردیده است که نوع تصمیماتی که صرفاً مربوط به

* برترتیب کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی و استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

رشته اقتصاد کشاورزی می‌شود، توسط افراد غیرمتخصص اتخاذ گردیده است. یا اینکه فارغ‌التحصیلان این رشته در سطوح تصمیم‌گیریهایی مرتبط فعالیت نمی‌نمایند. این در شرایطی است که رشته اقتصاد کشاورزی مبتلا به عواض و صدماتی شده است و از مسیر خود منحرف شده است. در این میان لازم است برنامه مدون و سازمان‌یافته و قابل اجرایی ارائه گردد و این برنامه بایستی بر پایه واقعیتهای موجود باشد.

از سوی دیگر علیرغم اینکه در کشور ایران بودجه‌های تحقیقاتی با عناوین مختلف در بخشهای پژوهشی و آموزشی تزریق می‌گردد، اما فضای ناکارآمدی بر پژوهشهای اقتصاد کشاورزی حاکم است و علیرغم صرف وقت و هزینه‌های زیاد، نتایج مثبتی به دنبال ندارد. نتایج بررسی مختاری و سلطانی (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که تحقیقات اقتصاد کشاورزی تأثیرگذاری لازم را بر مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی ایران نداشته‌اند.

اضافه بر آن واقعیتهای حاکم بر اقتصاد ایران اعم از مشکلات ارزی، پدیده قاچاق کالا، ناکارآمدی سامانه اداری، ضعف سامانه بانکی و نرخ بهره بالای اعتبارات بانکی، موجب ناکارآمدی بخش‌های خصوصی و دولتی یعنی جایی که طرح مسئله پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد، شده است. بدین ترتیب بستر اقتصادی و اجتماعی جهت کارآمدی پژوهش بویژه پژوهشهای اقتصادی در کشور وجود ندارد. علی‌الاحمال فرایند پژوهش در ایران از یک سو ناکارآمد است و از سوی دیگر به مثابه یک کلاف سردرگم می‌ماند که در مقاله حاضر سعی بر آن است تا حلقه مفقوده آن پیدا شود.

این در شرایطی است که آنچه از بخش تحقیقات انتظار می‌رود این است که تحقیقات می‌بایست ارتباط تعریف‌شده‌ای با بخش اجرا و آموزش داشته باشد. تحقیقات باید سعی کند معضلات بخش اجرایی را حل و محتوای بخش آموزش را غنی نماید. بخش تحقیقات باید طوری طراحی شود که بتواند حداکثر بهره‌برداری را از ظرفیتهای طبیعی و نیروی انسانی بنماید. بخش تحقیقات باید دورنمای روشنی برای خود داشته باشد. برنامه‌های کاری و زمان بندی دقیقی برای رسیدن به اهداف مورد نظر داشته باشد. برنامه‌ها باید شامل کوتاهمدت، میانمدت و بلندمدت باشد. بخشی از برنامه‌های پژوهشی باید پاسخگویی نیازهای آتی و حال جامعه باشد. اما وظیفه مهمتری که برای پژوهشگر وجود دارد آنست که آینده‌نگری داشته باشد و نیازهای آتی را پیش‌بینی نماید و برای آن برنامه‌ریزی کند. اضافه بر آن بخش تحقیقات باید سعی کند از علوم و فنون روز بهره‌گیرد و متناسب با آن پیش برود. تبادل اطلاعات در سطوح کشوری، منطقه‌ای و جهانی در غنابخشیدن به پژوهش و معنی‌دادن به آن نقش تعیین‌کننده دارد. دورکن اساسی در این رابطه تربیت نیروی انسانی و تخصیص اعتبار لازم متناسب با اهداف و برنامه‌های تحقیقاتی می‌باشد. همینطور اکثر برنامه‌ریزی‌های تحقیقاتی باید در ارتباط با تعیین اولویتهای باشد و یکی از معیارهایی که منطقی می‌تواند در تحقیق کاربردی بکار گرفته شود ارتباط عملی (Practical Relevance) است (هومن، ۱۳۴۲).

با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله، در ادامه برخی از نارسائیهای موجود در زمینه تحقیقات و آموزش اقتصاد کشاورزی تشریح گردیده است.

۱. وضعیت موجود اقتصاد کشاورزی در ایران در گستره آموزش و پژوهش:

مسائل آموزشی و تحقیقاتی اقتصاد کشاورزی امروزه دچار سکون و از هم گسیختگی شده است که به همراه سایر مسائل حاکم بر بدنه آموزش و تحقیقات در کشور، موجب جدائی هرچه بیشتر تحقیقات و آموزش این رشته از مسائل و مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور شده است. به گونه‌ای که پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی منحصر به استفاده از مدل‌های اقتصادی اقتباس شده از منابع خارجی و یا حتی رونویسی کارهای داخل شده است. به ندرت می‌توان تحقیقی را یافت که طرح مسئله آن از مشکلات مزرعه و یا اینکه از نیازهای تحقیقاتی بخش کشاورزی برخاسته باشد.

در بخشهای اقتصاد کشاورزی با سابقه به مسائل آموزش اقتصاد کشاورزی در سطح کارشناسی که بنیان تحصیلات در دوره‌های تکمیلی است توجه کافی نمی‌شود. از طرفی محتوای سوالات آزمون

کارشناسی ارشد از مباحث تخصصی اقتصاد کشاورزی به سمت مباحث اقتصاد نظری سوق داده شده است (همانند سؤالات کارشناسی ارشد دروس توسعه و سیاست کشاورزی و مدیریت مزرعه). در دوره‌های تکمیلی نیز پویایی لازم که شرط اصلی کیفیت این رشته‌هاست وجود ندارد. اغلب فارغ‌التحصیلان دوره‌های تکمیلی این رشته، از توانایی کافی برای تحلیل اقتصاد کشاورزی برخوردار نیستند و اساساً به انجام کارهای کمی که بیشتر جنبه نمایشی دارد می‌پردازند. این قبیل فارغ‌التحصیلان به یقین مزرعه را نمی‌بینند و تنها همان عدد و رقم را می‌بینند. برخی از این فارغ‌التحصیلان هرچند از معدل تحصیلی بالایی برخوردارند ولی در تحلیل مسائل اقتصاد کشاورزی ضعیف می‌باشند.

این در شرایطی است که تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته بطور مکرر افزایش می‌یابد. دانشگاه‌های دولتی و آزاد در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا دانشجوی اقتصاد کشاورزی تربیت می‌نمایند و مرتباً به ظرفیتهای آنها افزوده می‌شود. گنجاندن مدل ریاضی و اقتصادسنجی که از ماهیت انتزاعی بالایی برخوردارند يك الزام در پایان‌نامه‌هاست. یعنی در ایران نه تنها این مشکل وجود دارد، بدتر از آن مشکل پراکنده‌کاری و نبود متخصص کارآمد در این رشته نیز وجود دارد.

در دانشگاهها و مراکز پژوهشی اقتصاد کشاورزی کشور در زمان مصاحبه، تاکید بر سؤالات تئوریک می‌باشد. به همین دلیل آنهایی که از ذهن تحلیلی برخوردارند و بنابراین کمتر به محفوظات توجه دارند از فرایند مصاحبه حذف می‌شوند. در شرایط حاضر چهار دانشگاه در کشور دانشجوی دکتری تربیت می‌نمایند، گرچه دانشجویان دکترا واحدهای درسی کافی می‌گذرانند و در زمینه مقاله‌نویسی آموزش کافی می‌بینند. اما این افراد اغلب از زمینه ذهنی و فکری کافی برای اجرای طرحهای پژوهشی اصیل برخوردار نیستند. محققین اقتصاد کشاورزی بطور پراکنده و بدون انسجام به فعالیت مشغول می‌باشند و اغلب بطور پراکنده در خصوص موضوعات و مقوله‌های مختلف اظهار نظر می‌نمایند.

بسیاری از مسائل مورد تحقیق بصورت کلیشه‌ای و یا تکراری می‌باشد. این در حالی است که مسائل واقعی بیشماري برای بررسی و تحقیق وجود دارد. به عنوان مثال در حوزه بازار محصولات کشاورزی مسائل عدیده‌ای وجود دارد و ظرفیتهای بیشماري برای کار وجود دارد. این در شرایطی است که تاکنون حتی يك کتاب بازاریابی مناسب که توسط متخصص اصلی آن یعنی اقتصاددان کشاورزی به رشته تحریر درآمده باشد وجود ندارد.

از طرفی جریان علم در اقتصاد کشاورزی حتی در سطح بین‌المللی با مشکل مواجه گردیده است. بنا به اظهار ریاست انجمن بین‌المللی اقتصاددانان کشاورزی^۱ "اقتصاد کشاورزی دیگر به زبان سیاستگذاران صحبت نمی‌کند. بلکه با زبان بسیار پیچیده ریاضی صحبت می‌کند که قابل فهم و هضم برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نیست". لانگورس (Longworth, 1991) نیز در همین رابطه اذعان می‌دارد: "در چهار دهه اخیر، اقتصاد کشاورزی، مدیریت مزرعه و جامعه‌شناسی روستایی ارتباط ضعیفی با بیولوژی و علوم فرهنگی داشته‌اند. روشهای علوم اجتماعی هنوز هم می‌تواند به کمک اجرای طرحهای توسعه پایدار بیایند. تحقیقات بایستی برای پاسخ به نیازهای توسعه پایدار در زمینه کشاورزی باشند و تلاش مدیران آینده باید این باشد که چگونه توجه بهترین محققان را به این سمت معطوف کنند. ... ایده‌های خوب که ممکن است در قالبی غیرآکادمیک طرح شوند مورد توجه مجلات علمی واقع نمی‌شوند و از بین می‌رود....."

در همین راستا لازم به ذکر است که در رشته‌هایی همچون روانشناسی، مدیریت و علوم اجتماعی استفاده از مدل‌های تحقیق بر پایه يك چارچوب نظری مدون انجام می‌گیرد و مدل تحقیق بسیار ساده و مبتنی بر روشهای ساده آمار توصیفی و استنباطی است. اما مبتنی بر چارچوب نظری است. یعنی در آنجا چارچوب نظری که اساساً مبتنی بر تحقیقات انجام شده قبلی می‌باشد، شکل می‌گیرد. به تعریف و معرفی معرفت‌ها بطور کامل اهمیت داده می‌شود. هرچند ماهیت تحقیقات اقتصادی بویژه اقتصاد کاربردی تا حد زیادی از تحقیقات روانشناسی، پژوهشگری اجتماعی و علوم رفتاری متفاوت می‌باشد، اما به هر

^۱کنفرانس انجمن بین‌المللی اقتصاددانان کشاورزی، برلین، ۲۰۰۰.

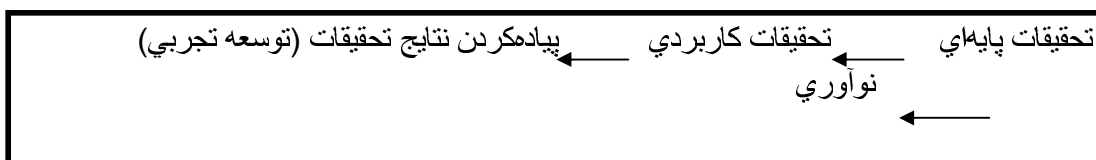
حال يك ضرورت در سطح بين‌المللي احساس مي‌شود كه به تنوع مدل‌ها در رشته‌هاي اقتصاد کاربردي ساماندهي داده شود. چونكه متخصصين علوم اقتصاد نظري مرتباً در صدد توسعه اين مدل‌ها مي‌باشند. حتي در شرايط حاضر فارغ‌التحصيلان رشته اقتصاد كشاورزي (بعنوان يك رشته کاربردي) مدل‌ها را توسعه مي‌دهند. اين در شرايطي است كه در تز دكتورا بايستي به يك نوآوري و يافته جديد برسند نه يك كار كپي شده و صرفاً ارائه يك مدل پيچيده رياضي.

در ادامه به لحاظ اينكه ارتباط كارآمدي رشته اقتصاد كشاورزي را با شرايط سامانه اجتماعي مشخص نمائيم، به برخي مدل‌هايي كه به تشریح اين ارتباط پرداخته‌اند اشاره خواهيم نمود.

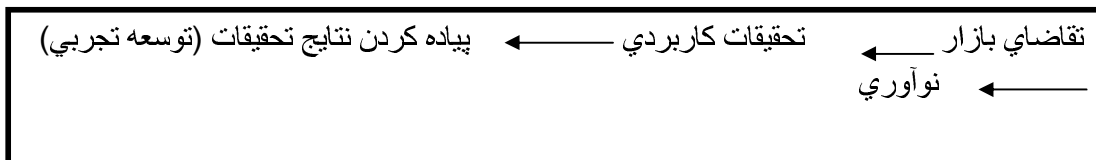
۲. مدل‌هاي موجود و تصويري از ناکارآمدی سامانه اجتماعي و ارتباط آن با آموزش و پژوهش اقتصاد كشاورزي:

اگر از كليات شروع كنيم مي‌بينم كه علم با استفاده از تبیین، توصيف و پيش‌بینی پديده‌هاي موجود، براي رفع مشكلات بشر از طريق توسعه دامنه آگاهي‌هاي او آمده است. علم كه به نوبه خود از دو كليت آموزش و پژوهش تشكيل گريده است، در صورتي از كارکرد مناسب برخوردار است كه با كمك آن بتوان مشكلات جامعه را حل نمود. براي دستيابي به اين هدف لازم است تا ارتباط و موقعيت علم در جامعه روشن گردد. اين مهم در مدل هدايت علم و مدل كشش بازار و نياز تشریح گريده است.

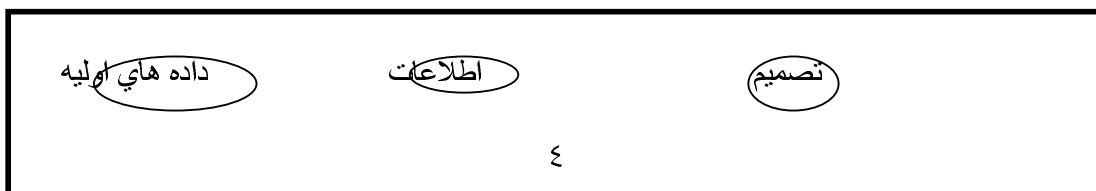
بطور كلي توسعه كمي و كيفي جامعه‌ها، همگي مرهون تصميم‌سازيها و تصميم‌گيريهائي است كه بر پايه تحقيقات علمي صورت گرفته است. از اين رو منتها اين نظر و تلقی حاكم بوده است كه نوآوريهاي تكنولوجيكي از درون خود پيشرفته‌هاي علمي (و يا گاه از تحقيقات پايه‌اي كنجكاوانه) نشأت مي‌گيرد. به عبارتي روند و جهت پيشرفت علوم و تحقيقات تا حدود زيادي تابع عوامل دروني است. اين نظر را كه به مدل "هدايت علم" موسوم است مي‌توان به صورت زير نمايش داد:



در سالهاي ۱۹۶۰ مدل متفاوت ديگري از نوآوري مطرح شد كه در ميان اقتصاددانان طرفدار بسياري پيدا كرد. بر طبق اين مدل، نوآوريها به دليل تغيير در تقاضاي بازار و يا خواسته‌هاي جديدي كه ايجاد مي‌شود بروز مي‌كند. اين مدل كه به نام مدل كشش بازار و نياز (Need-Pull) معروف است حاكي از اين است كه جهت تحقيقات علمي در واقع تابع عوامل بيروني است. اين مدل را مي‌توان بصورت زير نمايش داد:



بطوركلي مي‌توان كارکرد تحقيق را در فرايند تصميم‌سازي اجتماعي و سازماني در شكل زير نشان داد.



بسوی تحقق هدف → فرایند اجرایی تصمیم → فرایند تصمیم‌سازی → پردازش اولیه و کاربردی داده‌ها

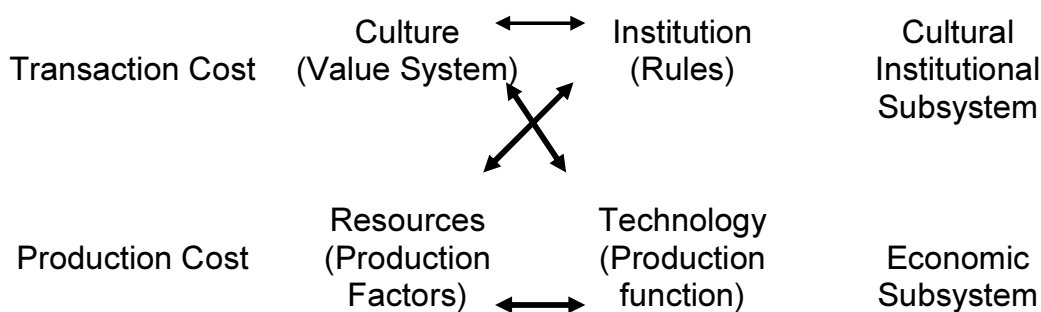
در ادامه با نگاهی عمیق‌تر به سامانه اجتماعی، ملاحظه می‌شود که موانع بنیادی فراوانی برای تأثیرگذاری پژوهش در کشور وجود دارد. به همین ترتیب برای انجام پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی نیز موانع نهادی و بنیادی فراوانی در بخش کشاورزی وجود دارد. در این خصوص از مدل توسعه اجتماعی ورنون هیامی اقتصاددان برجسته توسعه کمک می‌گیریم. به اعتقاد هیامی (Hayami, 1999) سامانه اجتماعی (Social System) متشکل از دو زیرسامانه به شرح زیر می‌باشد:

- زیرسامانه اقتصادی (Economic Subsystem)

- زیرسامانه نهادی-فرهنگی (Cultural Institutional Subsystem)

توسعه از طریق ارتباط بین این دو زیرسامانه رقم می‌خورد. ضمن اینکه بین عناصر زیر سامانه‌ها نیز ارتباط وجود دارد. بین عناصر بالا و پایین هم ارتباط هست. منابع می‌تواند شامل منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه باشد. تکنولوژی به مثابه ترکیب معین عوامل تولید که به میزان معینی از تولید منجر می‌شود، می‌باشد که به آن می‌توان تابع تولید گفت. محصول زیر سامانه اقتصادی، درآمد است. یعنی با یک سطح از منابع و تابع تولید، میزان معینی درآمد ایجاد می‌شود. این زیرسامانه رشد اقتصادی در تولید ملی (تولید سرانه) ایجاد می‌کند. محصول (Product) هم ارزش افزوده‌ایست که بوسیله بکارگیری منابع حاصل می‌شود. این ارزش افزوده بین مالکین منابع توزیع می‌شود (همان توزیع درآمد). بین افزایش منابع و پیشرفت تکنولوژی یک ارتباط وجود دارد. فرض کنید در خصوص منابع آب به یک تکنولوژی (بهبود تکنولوژی منابع آب) برسیم که قبل از آن نیاز به سرمایه‌گذاری در تکنولوژی منابع آب را دارد. این تکنولوژی دو پیامد دارد. اول اثر مستقیم که شامل افزایش دسترسی به زمین بیشتر (افزایش سطح زیرکشت) به دلیل دستیابی به منابع آب بیشتر می‌باشد. دومین پیامد، افزایش عملکرد زمین است که بدون اینکه تولید کشاورزی کاهش یابد، ضمن افزایش مواد غذایی امکان آزاد شدن منبع نیروی کار را فراهم می‌سازد (اثر غیر مستقیم منبع). بنابراین اثر مستقیم توسعه تکنولوژی (مثل سد) منجر به افزایش منابع (زمین) می‌شود و اثر غیرمستقیم آن منجر به آزاد شدن منبع دیگر یعنی نیروی کار می‌شود. بنابراین هر دو اثر تکنولوژی، اثرات مثبتی بر منابع می‌گذارند.

مدل توسعه اجتماعی (Social Development Model)



بهبود تکنولوژی نیاز به سرمایه‌گذاری ملموس و ناملموس دارد. بهبود تکنولوژی به دو طریق به وقوع می‌پیوندد که هر دو طریق به سرمایه ناملموس منتهی می‌شوند.

- از طریق پژوهش (Research)

- از طریق آزمون و خطا (Trial and Error)

این دو منجر به نخیره دانش مهندسی (Engineering knowledge) می شود که خودش يك نوع سرمایه‌گذاري ناملموس (Intangible Investment) می‌باشد. اما احداث سد، کانال یا آبیاری قطره‌اي را سرمایه‌گذاري ملموس (Tangible Investment) گویند. خود دانش مهندسی يك تابع تولید دارد که به آن سرمایه‌گذاري در سرمایه انسانی (Capitals Human) گویند. سرمایه انسانی از طریق تحصیل، آموزش، سلامتی و بهبود می‌یابد. حالا خود این سرمایه‌گذاري در سرمایه انسانی منجر به این می‌شود که کارایی تولید دانش مهندسی افزایش یابد و این بهبود تکنولوژی به رشد هر دو نوع سرمایه‌گذاري کمک می‌کند.

حالا به ارتباط زیرسامانه اقتصادي و زیرسامانه نهادي-فرهنگي می‌پردازیم. رشد اقتصادي که از زیرسامانه اقتصادي انتظار می‌رود توسط فرهنگ و نهادها محدود می‌شود. فرهنگ در واقع سامانه ارزشي يك جامعه را گویند. نهاد هم مجموعه قوانین و مقررات رسمي و غیررسمي است که رفتارهاي ما را شکل می‌دهند. ترکیب نهادها و فرهنگ هم از هم تأثیر می‌گیرند.

حالا چطور زیر سامانه بالا روي پایینی اثر دارد؟ به عنوان مثال سرمایه‌گذاري، منبعث از انباشت پس‌انداز خانوارها می‌باشد. به عنوان مثال شمال و جنوب کشور را در نظر بگیرید. حالا می‌خواهیم بدانیم فرهنگ مردم‌ها در این مناطق چه اثری بر پس‌انداز دارد؟ در شهرهاي جنوبي مصرف در حال را به آینده ترجیح می‌دهند. اما در مرکز و شمال بیشتر به پس‌انداز تمایل دارند. بنابراین مشي فرهنگي بر میل نهایی بر پس انداز تأثیر می‌گذارد.

نهاد معادل Institution است. نهاد چیست و چه ارتباطي با اقتصاد دارد؟ قوانین رسمي که در تعریف نهاد آمده شامل قانون اساسي (Constitution)، قوانین مصوب (State Laws)، قوانین عرفي (Common Laws)، آیین‌نامه‌هاي ویژه (Specific by Laws)، موارد خاص قانوني (Specifications) (که شامل بخش‌نامه‌ها و مقررات اداري و محلي) می‌باشد. قوانین غیررسمي هم شامل آداب و رسوم (Conventions)، قواعد و اصول سلوك (Codes of Conduct) می‌باشند. وقتی ما در يك اقتصاد تك نفره باشیم که به آن اقتصاد کروزوئيه‌اي می‌گویند، تنها کنش بین فرد و طبیعت را داریم که هزینه‌هاي عادي تولید را داریم. اما در يك اقتصاد دو نفره هزینه‌هاي مبادلاتي (Transaction costs) یا هزینه‌هاي حضور در بازار را داریم. به این اقتصاد، اقتصاد نهادگرا گویند. در این اقتصاد ما باید هزینه‌هاي عملیاتي تولید را متحمل شویم و علاوه بر آن هزینه‌هاي مبادلاتي را هم داریم. مثل هزینه کشف قیمت‌هاي مناسب، کشف خصوصیات کارا، هزینه چانه‌زني، هزینه رسیدن به توافق و هزینه نظارت. هر چه در اقتصاد توسعه نیافتگی بیشتر باشد سهم این هزینه‌ها بیشتر است. که این هزینه‌ها از نوع هزینه‌هاي ناملموس هستند. نهاد این هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. فیزیکیان‌ها می‌گویند در غیاب اصطکاک می‌توان مشخصات حرکت را معلوم کرد. اما در صورت وجود اصطکاک باید آن را به صورت پارامتری در فرمول وارد کرد. نهادها هم حکم اصطکاک را دارند. هر چه ما نهادهاي مصوب بیشتری داشته باشیم اصطکاک در اقتصاد کمتر می‌شود (نورث، ۱۹۹۷).

بطور کلي نهاد ساختاري باثبات براي کاهش ناطمینانی است. هرچه نهادها تعریف شده‌تر باشند بهتر می‌توان هزینه‌هاي مبادلاتي را کاهش داد و پایین آمدن این هزینه‌ها به منزله کارایی اقتصاد می‌باشد. در اقتصاد آمریکا هزینه‌هاي مبادلاتي معادل ۴۰ درصد از GNP آن کشور می‌باشد. پس نقش نهاد بطور مستقیم کاهش هزینه‌هاي مبادلاتي و بطور غیرمستقیم کاهش هزینه‌هاي عادي تولید است. یعنی وقتی به دنبال راه حل مناسب براي کشف خصوصیات کارا می‌رویم. ضمن اینکه هزینه‌هاي مبادلاتي را کاهش داده‌ایم، چون فرایند تولید کارا تر می‌شود. بنابراین هزینه‌هاي عملیاتي تولید را هم کاهش داده‌ایم.

همانطور که در بخشهاي مختلف مقاله اشاره گردید ناکارآمدی سامانه اقتصادي بویژه بخش کشاورزي زمینه ناکارآمدی پژوهش‌هاي اقتصاد کشاورزي را فراهم آورده است. اکنون در فضای اقتصادي ایران موانع بنيادي براي ابراز وجود رشته اقتصاد کشاورزي وجود دارد. در همین شرایط بهره‌برداريهاي کشاورزي ماهیت بنگاه اقتصادي به مفهوم واقعي را ندارند. بازار محصولات کشاورزي با موانع

بنیادی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مواجه است. بهره‌وری تولید به شدت پائین است و دهها مشکل دیگر گریبانگیر اقتصاد کشاورزی ایران است. در همین شرایط بستر مناسب برای به ثمر رسانیدن پژوهش مفید وجود ندارد.

اضافه بر آن لازم به اشاره است که بخش زیادی از نتایج تحقیقات در زمانی که این تحقیقات برای بخش خصوص انجام می‌شود به فضای حاکم بر بخش خصوص و سودآوری در این بخش بستگی دارد و آن بخش از نتایج تحقیقات که به بخش دولتی مربوط می‌شود به کارآمدی در فضای اداری بستگی دارد. در شرایط کنونی اغلب واحدهای تولیدی در بخش خصوصی به لحاظ وجود عواملی چون کندی سامانه اداری، نرخ بهره، نرخ ارز و قاچاق کالا و عدم تولید محصولات قابل رقابت در عرصه جهانی، با مشکلات سودآوری مواجه می‌باشند. ضمن اینکه بخش کشاورزی علاوه بر مشکلات فوق، از لحاظ بنیانی و ساختاری نیز با مشکلات زیادی مواجه است. مزارع کوچک و پراکنده سبب گردیده است تا اقتصاد کشاورزی ایران نتواند صورت رقابتی پیدا کند و در مواردی نیز که تولید به منظور محصولات نقدی انجام می‌گیرد به مشکلات خاصی برخورد می‌کنند.

در سامانه اجتماعی ایران موانع نهادی فراوانی مانع از پویایی اقتصاد گردیده است. بطور کلی اقتصاد ایران به لحاظ ابهاماتی که در مبانی نظری، بنیادی و نهادی آن از حیث مالکیت‌ها، نقش و جایگاه دولت و نهادهای قانونگذاری و ... دارد موانع متعددی برای کاربرد اصول متعارف علم اقتصاد که بر پایه بازار قرار دارد، وجود دارد. به همین خاطر به سختی می‌توان یک روزنه جهت کارآمدسازی پژوهش ایجاد نمود. بنابراین علیرغم ظرفیتهای بی‌شماری که در رشته اقتصاد کشاورزی نهفته است و زمینه‌های بسیار زیادی که در ایران (جدای از بحث ناکارآمدی سامانه اجتماعی ایران) دارد، کاربرد این علم با موانع بنیادی مواجه شده است. در عین حال در صورت اصلاح شیوه‌های مدیریتی پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی می‌توان به ایجاد اصلاحات (Reform) در این زمینه و حل مشکلات موجود امیدوار بود.

۳ • جمع‌بندی و راهکارها:

راهکار نهایی توصیه یک حرکت سامان‌یافته (Systematic Approach) می‌باشد. منظور از حرکت سامان‌یافته این است که بطور تصادفی عمل نکنیم. سامانه‌هایی (Systems) که بطور تصادفی عمل می‌کنند عملاً از هم پاشیده محسوب می‌گردند. این حرکت سامان‌یافته بایستی در تاروپود کلیتهای آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی و ارتباط آن با بخش کشاورزی برقرار گردد. برای این منظور لازم است تا به افراد آموزش داده شود که چگونه در قالب یک حرکت سامان‌یافته عمل کنند و بتوانند به افراد شاخصی در زمینه مورد نظر خود تبدیل شوند. در این راستا لازم است تا کارگاههای آموزشی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و حتی برای مدرسین اقتصاد کشاورزی گذاشته شود. توصیه می‌شود در این خصوص از افراد زبده علم اقتصاد کشاورزی در خارج و داخل کشور کمک گرفته شود.

بنابراین ابتدا بایستی ببینیم که عمده مشکلات بخش کشاورزی کجاست، یعنی موضوع را پیچیده نکنیم. بایستی ابتدا مسائل بخش کشاورزی ساده شوند. بیخود به معلولها پرداخته نشود و بوجه‌های تحقیقاتی هر چند اندک صرف کارهای بیهوده و مسائلی که به نوبه خود به اصلاحات لایه‌های اجرایی مربوط می‌شود و با اصلاح مدیریت‌ها، حل می‌گردد، پرداخته نشود. بایستی مسئله کلی، ساده شود. ژاپنی‌ها به مصداق ساده زیباست در اوان ایجاد اصلاحات اقتصادی در بخش کشاورزی، به این جمع‌بندی رسیدند که اعم مشکل ناکارآمدی بخش کشاورزی‌شان در پراکندگی و کوچکی اراضی زراعی نهفته است. بدین سبب اقدام به یکپارچگی اراضی نمودند. یعنی پس از شناسایی مشکل همین که دیدند مشکل چیست در جهت حل آن اقدام نمودند. بدیهی است در صورتی که در مواردی که می‌دیدند نیاز به انجام یک تحقیق

² به منظور ارائه دقیق‌تر راهکار پیشنهادی، از یک مثال استفاده شده است که در ضمیمه مقاله آمده است.

عملي يا كاربردي است اقدام به مطالعه مي‌نموند. اين است كه در عرصه پژوهش در کشور هنوز در شناسايي و طرح مسئله مانده‌ايم. چه رسد به انجام يك پژوهش تمام عيار. بينيم مشكلات بخش كشاورزي چيست. بيخودي مسائل مقطعي همچون اشتغال و... را قاطي نكنيم. اما به هر حال نجات تحقيقات اقتصاد كشاورزي از پراكنده كاري از ارزش بالايي برخوردار است. بنابر اين لازم است تا اولويتهايي كه مؤسسات و سازمانها تعريف مي‌كنند، سازماندهي شوند و مشخص گردد كه اين اولويتها مبتني بر نياز احساس شده جامعه كشاورزان کشور مي‌باشد. در اين راستا تعيين اولويت‌هاي تحقيقاتي و ساماندهي آنها از طريق پيگيري توسط لايه‌هاي برنامه‌ريزي اقتصاد كشاورزي همچون انجمن اقتصاد كشاورزي يك ضرورت است. بدین معني كه همانطور كه در مقاله پيشين (مختاري و سلطاني، ۱۳۷۹) ذكر گرديد عموم پژوهشگران لازم است به خطوط كاري پيوسته و سازمان يافته كه ديده‌گاههاي بلندمدت داشته باشد، متصل شوند.

در خصوص کاربرد نتايج تحقيقات، دو روزه وجود دارد: بخش خصوصي و بخش دولتي. بنابر اين ابتدا بايد بينيم كه اين روزه ها در بخش خصوصي وجود دارد يا در بخش دولتي.

پژوهشگران اقتصاد كشاورزي زماني مي‌توانند در مراحل توليد و بازرگاني در بخش خصوصي كشاورزي (كه بيش از ۹۰ درصد از كشاورزي ايران را شامل مي‌شود) خدمات تحقيقاتي و مشاوره‌اي ارائه دهند كه اين بخش ماهيت نگاه اقتصادي پيدا كند. وگرنه هيچگاه بهره‌برداريهاي كوچك انگيزه و توانايي و يا نياز به كارهاي تحقيقاتي پيدا نخواهند كرد. اکنون كه با تقويت تعاوني‌هاي توليد كشاورزي، دولت درصدد است تا مشكلات ساختاري موجود را برطرف كند، مي‌توان اميدوار بود كه شايد از طريق تعاوني‌هاي توليد بتوان خدمات تحقيقاتي ارائه داد كه اين مورد هم قابل تعمق و بررسي است. علي‌احمال با مشكلاتي كه در بخش خصوصي كشاورزي ايران وجود دارد، زياد نمي‌توان اميدوار بود كه بتوان به بهره‌برداريهاي كشاورزي خدمات پژوهشي ارائه داد. در هر حال روزه اصلي تحقيقات يا جايي كه بتواند خوراك تحقيقاتي داشته باشد بطوريكه طرح مسئله‌ها از آنجا به بخش تحقيقات سرازير شود و از بخش تحقيقات به سمت بازار سوق داده شود، در بخش خصوصي تا حدودي مجموعه‌هاي كشت و صنعت مي‌باشند.

در بخش دولتي هم ارگانهاي اجرايي و تصميم‌گيري مرتبط با بخش كشاورزي مي‌باشند كه در شرايط حاضر پژوهشگران و مدرسان اقتصاد كشاورزي در گستره پژوهش اقتصاد كشاورزي خطوط كاري خود را بر پايه ارائه خوراك تحقيقاتي به بخش‌هاي تصميم‌گيري دولتي سوق داده‌اند. اکنون سؤال اينجاست كه چگونه مي‌توان جريان لازم را از مراكز تحقيقات اقتصاد كشاورزي به بخش دولتي سوق داد. مگر نه اينكه مؤسسه پژوهشهاي برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي و گروههاي اقتصاد كشاورزي و ساير مؤسساتي كه به نحوي طرحهاي مطالعاتي اقتصاد كشاورزي انجام مي‌دهند همين كار را انجام مي‌دهند. ادعاي اين كلام اين نيست كه چنين جرياني وجود ندارد، بلكه ادعا اين است كه اين مسير كارآمد نيست. براي ايجاد كارآمدي بايستي يك حركت سامان يافته داشت. بدین معني كه كنفرانسها و مقالات و طرحهاي مطالعاتي در صورتي كه همگام و منسجم باشند، مي‌توانند مفيد باشند. يعني تمام خطوط بايستي هم جهت باشند و يك نقطه هدف را دنبال كنند. در شرايط حاضر ارائه مقالات بصورت پراكنده و تصادفي مي‌باشد. هر پژوهشگري به كار خود مشغول مي‌باشد. لازم به يادآوري است كه طراحي آموزش و پژوهش اقتصاد كشاورزي بايستي به گونه‌اي باشد كه با بكارگيري ابزارهاي موجود (اعم از تربيت دانشجوي مقاطع تحصيلات تكميلي، انجام طرحهاي مطالعاتي، نگارش مقالات داخل و خارج از کشور و...) به تربيت لاقط دهها متخصص اقتصاد كشاورزي در زمينه‌هاي آب، بازرگاني محصولات كشاورزي و ساير زمينه‌هاي موجود كه در افق حال و آتي (۱۰ سال) جزء اولويت‌هاي محض محسوب مي‌شوند منتهي گردد. بايستي جريان آموزش و پژوهش به سمت لايه‌هاي سياستگذاري و بخشهاي فعال اقتصادي مرتبط با بخش كشاورزي شكل بگيرد. براي وقوع چنين امري نياز به طراحي سامانه‌هاي مناسب مي‌باشد. تأكيد مقاله حاضر بر شكل‌دهي اين جريان مي‌باشد. بطوركلي هرگونه حركت سامان يافته بالطبع نتيجه‌بخش خواهد بود. بايستي افراد در جهت شاخص شدن گام بردارند. براي اين امر نياز به مجموعه‌اي كارها دارند كه در بالا ذكر شد. يعني امروز کشور ايران در

جایگاه خوبی از حیث آب قرار دارد. در قلمرو مطالعات بازاریابی ظرفیتهای بی شماری وجود دارد. اکنون راحل این است که در قالب یک حرکت سامان یافته که واقعیتهای موجود را در نظر بگیریم و نقاط هدف معینی را معرفی نماییم. یقیناً هدف غایی، مفید بودن و کارآمد ساختن رشته اقتصاد کشاورزی می باشد.

در عین حال می توان راجع به اهم مشکلات و ناکارآمدی های بخش کشاورزی از صاحب نظران و پژوهشگران نظر خواهی نمود که علت های واقعی چیست و اگر برای حل این مشکلات نیاز به انجام تحقیق باشد، تحقیق انجام گردد.

تشکیل سازمان های غیر دولتی (NGO) از جمله مهندسی مشاور (Consulting Engineers) یک راه حل کاربردی برای این موضوع است که در حال حاضر دولت پیش بینی های لازم را نموده است و در قالب آئین نامه های مدون و رسمی این تشکلهای بطور مکرر روبه افزایش هستند. این تشکلهای عموماً در حوضه های مطالعات آب و خاک، مشغول ارائه خدمات مشاوره ای هستند و وزن مطالعات اقتصاد کشاورزی در این تشکلهای پائین است. حتی در مطالعات آب و خاک، به ارزیابی ها و تحلیل های منفعت-هزینه این طرحها اهمیت زیادی داده نمی شود. در همین راستا لازم است تا مطالعات بازار محصولات کشاورزی نیز جزء زمینه های کاری این قبیل مؤسسات قرار گیرد.

بنابراین اقتصاد کشاورزی در گستره آموزش و پژوهش چه در سطح بین الملل و چه در سطح ایران نیاز به انجام اصلاحات دارد. برای انجام این رفرم نیاز به نیروهای زبده می باشد. از آنجا که سامانه آموزش ایران در حال حاضر در ۴ دانشگاه دکترای تربیت می نماید، گزینش دانشجویان در این دانشگاهها بایستی بر پایه برخورداریشان از ذهن پویا و توان تحلیلی بالا انجام گیرد و ببینش لازم در آنان ایجاد گردد که بتوانند نیازهای تحقیقاتی بخش کشاورزی را تأمین نمایند.

در جمع بندی نهایی چنین می توان اذعان نمود که در گستره آموزش و پژوهش اقتصاد کشاورزی نیاز به اعمال اصلاحات آن هم با شیوه های سامان یافته می باشد. در همین راستا لازم است نقطه هدف معینی تعریف شود تا تمام امورات پژوهشی و آموزشی در این راستا سوق داده شوند. در مقاله حاضر این نقطه هدف، تربیت نیروی متخصص و صاحب نظر در زمینه های مختلف اقتصاد کشاورزی در یک افق معین ۱۰ ساله تعریف شده است. این مهم نیاز به سازوکارهایی دارد که توسط نهادهای متولی اقتصاد کشاورزی بویژه انجمن اقتصاد کشاورزی فراهم می گردد تا با تکیه بر امکانات موجود، زمینه تعالی رشته اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد. بدین ترتیب رشته اقتصاد کشاورزی به مرور جایگاه خود را در حل مشکلات اقتصاد کشاورزی کشور پیدا می کند و با ارائه نظرات منطقی و واقع بینانه می تواند اعتماد سیاستگذاران کشاورزی را به رهیافتهای خود جلب نماید.

به منظور آشنایی با چگونگی شناخت مسائل تحقیقاتی و روش اجرای تحقیق بطور سامان یافته، در ضمیمه این مقاله یک مثال بطور مبسوط آمده است.

ضمیمه مقاله:

موضوع: ضرورت مطالعه، طراحی و نظارت بر اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مرتبط با بازار محصولات کشاورزی (خرما، سیب، انگور، پیاز، سیب زمینی و گوجه فرنگی) در استان فارس

استان فارس، با توجه به پتانسیلهای موجود به ویژه دارا بودن منابع طبیعی، آب و هوایی متنوع، اقلیم مستعد، خاک حاصلخیز می‌تواند در افزایش تولید محصولات کشاورزی نقش قابل توجهی را ایفا نماید. موقعیت اقلیمی این استان از نظر درجه حرارت، نوع خاک و شرایط آب و هوایی به گونه‌ای است که امکان کشت اکثر محصولات زراعی و باغی در آن میسر است. این استان در تولید محصولات زراعی و باغی دارای جایگاه ممتازی می‌باشد، به گونه‌ای که در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰، با ۷/۶ درصد کل اراضی زیرکشت و ۱۱/۴ درصد از کل تولیدات زراعی سالانه کشور، رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. از نظر تنوع محصولات زراعی در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰، ۱۴/۲ درصد غلات، ۱۲ درصد محصولات صنعتی، ۱۱/۱ درصد سبزیجات، ۷/۷ درصد حبوبات، ۵/۹ درصد محصولات جالیزی و ۱۴/۱ درصد نباتات علوفه‌ای تولیدی کشور در این استان تولید شده است.

بررسی آمار صادرات محصولات کشاورزی استان فارس نشان می‌دهد که محصولات صادراتی اساسی استان در سالهای قبل شامل خرما، سیب و پیاز و در سالهای اخیر محصول انگور می‌باشد. در شرایط موجود بحرانی‌ترین محصول صادراتی، محصول خرما می‌باشد. اضافه بر آن منفی‌ترین نرخ رشد صادراتی نیز مربوط به همین محصول می‌باشد. در شرایط حاضر، اغلب واحدهای فرآوری و بسته‌بندی این محصول دچار ورشکستگی گردیده‌اند. با توجه به اینکه در افق چندساله آتی، خرماي عراق که جزء مرغوبترین خرماهای دنیا می‌باشد در بازارهای جهانی وارد خواهد شد، عرصه بر صادرات خرماي ایران (و بالطبع استان فارس) تنگتر خواهد شد. در خصوص محصول انگور نیز، تصویر شفافی از حیث صادرات وجود ندارد و کشف عواملی که منجر به رشد صادرات این محصول شده است، جالب به نظر می‌رسد.

اضافه بر آن مطالعه در خصوص محصول پیاز نیز از این حیث که بدنبال خرید تضمینی دولت، هر ساله بخش عمده‌ای از آن نابود می‌گردد، ضروری می‌باشد. البته این معضل در خصوص محصول سیبزمینی نیز وجود دارد که اهمیت صادراتی آن کمتر می‌باشد.

در ماههای اخیر، افزایش ناگهانی و استثنایی قیمت گوجه‌فرنگی به سایر بحرانهای بازار محصولات کشاورزی کشور افزوده شده است. بویژه آنکه نوسانات قیمت و تولید محصول گوجه‌فرنگی، حاشیه سودآوری کارخانجات فرآوری این محصول را نیز به مخاطره انداخته است و به لحاظ حضور کشور چین در بازارهای جهانی و ارائه رب گوجه‌فرنگی با قیمت پائین‌تر، صادرات این محصول از سوی ایران تقریباً متوقف شده است.

بنابراین کشف و شناسایی تنگناها و قابلیت‌ها و مشکلات عمومی تولید، بازاریابی و صادرات محصولات کشاورزی استان بویژه محصولات فوق الذکر (خرما، سیب، انگور، پیاز، سیب زمینی و گوجه فرنگی) ضرورتی انکار ناپذیر می‌باشد.

این در شرایطی است که علیرغم اینکه یکی از معضلات اساسی بخش کشاورزی در ایران مرتبط با بازار محصولات کشاورزی در کشور می‌باشد، برخی اظهارنظرها و نتایج تحقیقات بعمل آمده در خصوص بازار این محصولات بدور از واقعیات حاکم بر آن می‌باشد و نتایج تحقیقات مذکور قابلیت اجرایی ندارند.

هم اکنون مطالعات مرتبط با بازار اغلب توسط پژوهشگران دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی بطور مکرر انجام می‌گیرد که به لحاظ ضعف سامانه تحقیقاتی، هر چند نتایجی بدست می‌آورند. اما با واقعیت‌های موجود در تضاد می‌باشند و یا اینکه راهلهای صحیح آن نیز در مسیر اجرایی قرار نمی‌گیرد.

از طرفی در شرایطی که برای بازار محصولات کشاورزی راهلهای ساده وجود دارد مسائل این بازار

به شدت پیچیده شده است.

الان در خصوص بازار محصولات کشاورزی مشکلات عدیده‌ای وجود دارد. تحقیقات گسترده‌ای هم در حال انجام است. سواي این بحث که لایه‌های پژوهش و اجرا از یکدیگر جدا هستند و نتایج پژوهش در بخش‌های اجرایی منعکس نمی‌شود، موضوع اساسی این است که این تحقیقات به زبان سیاست‌گذاران نیست و نتایج آن برخاسته از واقعیت نیست و به نتایجی که مشکلات بخش اجرا را نیز حل نماید، منتهی نمی‌گردد.

اعتقاد بر این است که وضعیت حاکم بر بازار محصولات کشاورزی در استان فارس نیاز به انجام تحقیقات عملی (Action Research) دارد که در حیطه وظایف مهندسين مشاور (Consulting Engineers) می‌باشد. سعی می‌شود با استفاده از يك مثال، موضوع روشنتر شود.

در خصوص محصولات کشاورزی چند معضل وجود دارد که شامل نوسانات قیمت محصولات کشاورزی، نبود امکانات و تسهیلات بازاریابی و نبود سامانه اطلاع‌رسانی بازار می‌باشد. اگر کل مشکلات بازار محصولات کشاورزی شامل این سه مورد باشد، در خصوص مورد اول نیاز به تحقیق کاربردی (Applied Research) و در خصوص موارد دوم و سوم نیاز به انجام تحقیق حل مسئله یا عملی (Action Research) می‌باشد. تحقیق کاربردی توسط پژوهشگران اقتصاد کشاورزی در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و تحقیقات عملی نیز توسط مهندسين مشاور انجام خواهد گرفت که فرایند کاری آنان شامل سه مرحله کلی مطالعه، طراحی و نظارت بر اجرا می‌باشد. در فاز مطالعاتی، مطالعات لازم در خصوص امکانات و تسهیلات بازاریابی ابتدا به تفکیک هر کدام از محصولات کشاورزی و ترجیحاً در شعاع منطقه‌ای، انجام خواهد گرفت و گزینه‌هایی که از حیث فنی، اجتماعی، اقتصادی و مالی از توجیه کافی برخوردار باشند، ارائه خواهد گردید. سپس در فاز طراحی، جزئیات گزینه‌های منتخب طراحی خواهد گردید و میزان هزینه‌های اجرایی پروژه‌های منتخب به بخش اجرا (دولت) منعکس خواهد شد. بخش اجرا نیز پروژه‌های منتخب را در پروسه سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد و در مرحله اجرا، مهندسين مشاور وظیفه نظارت بر اجرا را در اختیار دارند. در این رابطه بخش اجرا بایستی سعی کند حتی‌المقدور عملیات سرمایه‌گذاری را با مشارکت بخش خصوصی انجام دهد و اتکا به اعتبارات دولتی کمتر باشد.

به عنوان مثالی دیگر، اتحادیه صادرکنندگان میوه و تره بار استان در تلاش است تا پایانه مناسبی در مساحت حدود ۵۰ هکتار در مجاورت شهرک صنعتی سلطان‌آباد، تأسیس نماید. این پروژه يك راه‌حل اساسی برای بسیار از مشکلات صادرات محصولات کشاورزی استان است. وقتی راه‌حل‌های ساده‌ای برای مسائل وجود دارد، نبایستی وقت و هزینه صرف انجام پژوهش‌های بی‌ثمر شود.

بدین ترتیب دیگر چه معنی می‌دهد که مرتباً تحقیقات مکرر راجع به موضوعی که بسیاری از راه‌حل‌های آن مشخص است و اساساً نیاز به انجام تحقیق کاربردی ندارد، انجام گردد؟

بطور کلی مقابله با بحران بازار محصولات کشاورزی نیز همچون سایر مشکلات، قبل از هر چیز نیاز به برخورد سامان‌یافته (Systematic Approach) دارد. در قالب برخورد سامان‌یافته، فعالیتها از شکل تصادفی خارج می‌گردند. بنحوی که يك نقطه هدف معین می‌گردد و با الگوهای برنامه‌ریزی‌شده در جهت دستیابی به این نقطه هدف، حرکت می‌نماییم.

برای این منظور پیشنهاد می‌گردد فرایند زیر طی گردد:

الف. شناسایی دقیق طرح مسئله: اعم مشکلات بازار محصولات کشاورزی در شعاع استان فارس بطور مشخص تعیین گردد. در صورتی که چند مشکل وجود داشته باشد، مرزهای هر کدام از مشکلات مشخص گردد.

ب. بررسی وضعیت موجود: در این خصوص لازم است آیت‌های زیر مورد بررسی قرار گیرد:

-حجم تحقیقات و اولویت‌های تحقیقاتی مرتبط با بازار محصولات کشاورزی مراکز دانشگاهی و پژوهشی در استان

-وضعیت موجود پروژه‌های اجرایی مرتبط با بازار محصولات کشاورزی در استان
-اهم فعالیتها، برنامه‌ها و راحلهای تشکلهای مرتبط با بازار محصولات کشاورزی اعم از اتحادیه
صادرکنندگان،

-اهم اقدامات و برنامه‌های ارگانهای اجرایی

ج. انجام تحقیقات کاربردی: در خصوص آن دسته از مشکلاتی که نیاز به انجام تحقیقات کاربردی است، آیت‌های تحقیقاتی به مراکز پژوهشی و آموزشی استان که در حال حاضر هم در حال انجام چنین تحقیقاتی هستند، ارجاع داده شود.

د. انجام مطالعات (تحقیقات) عملی: در خصوص مشکلاتی که راحلهای مشخص است و نیاز به انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری (همچون تسهیلات و امکانات بازاریابی) است، لازم است مطالعات فاز یک آن که مشتمل بر شناسایی دقیق، مکانیابی یا محلهای اجرایی این پروژه‌ها و شناسایی گزینه‌هایی که دارای توجیه فنی، اجتماعی، اقتصادی و مالی می‌باشد، در پروسه مطالعاتی مهندسین مشاور قرار گیرند.

ه. انجام مطالعات طراحی: در خصوص پروژه‌های پیشنهادی و تعیین‌شده در قالب مطالعات طراحی، لازم است این گزینه‌ها طراحی گردند و میزان حجم عملیات سرمایه‌گذاری مورد نیاز آنها برآورد گردد.

و. اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری پیش‌بینی‌شده: مطابق رقم‌های برآوردشده در فاز طراحی، اعتبارات دولتی مورد نیاز جذب شود و یا بستر مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (فعالین اقتصادی مرتبط با بازار محصولات کشاورزی) ایجاد گردد.

منابع:

۱. حافظ‌نیا، م.ر. (۱۳۷۷)، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
۲. کیوی، ر. و کامپنهود، ل.و. (۱۳۷۵)، "روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ نظری و عملی"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا، تهران.
۳. مختاری، ن. و سلطانی، غ. (۱۳۷۹) "نقدهای بر تحقیقات اقتصاد کشاورزی در ایران؛ نگاهی به تنگناهای تحقیقات اقتصاد کشاورزی در کشور" مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران" دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. نورث، د. (۱۹۹۷)، "اقتصاد نهادی".
۵. هومن، ا. (۱۳۴۲)، "اقتصاد کشاورزی"، انتشارات دانشگاه تهران.

6. Hayami, V. (1999) "Economic Development".

7. Longworth, J.W. (1991), "Human capital formation for sustainable agricultural development". Proceedings of twenty-first international conference of agricultural economic, Dartmouth, Japan, Tokyo.